



متن میناق نامه روزنامه‌نگاری در سایت روزنامه موجود است

اخبار

از معضل زمین‌خواری تا پاسخ به شبهات شباهت «آقازاده» با ماجرای نجفی

«بوی خون» به قسمت ششم رسید
ششمین قسمت از مستند «بوی خون» با بررسی موضوعات و سوزه‌های سیاسی اقتصادی که در سیرال آقازاده مطرح است، امروز در فیلموو و نماوا منتشر شد.

به گزارش امتیاز، ششمین قسمت مستند بوی خون با نام «باستی هیلز» با موضوع بررسی زمین خواری در اقصی نقاط ایران و همچنین واکاوی شبهات مربوط به تشابه کاراکتر دکتر امیر بحری و شهردار سابق تهران با حضور وحید اشتزی، مهدی سلطانی سروستانی؛ عباس عدبی منتشر شد.

مهدی سلطانی در این قسمت از ویژگی های نقش بحری و شبهاتی که در خصوص شباهت این کاراکتر به شهردار سابق تهران مطرح شده بود، سخن می گوید.

همچنین زاید زاهدی نیز از نقش سارا حرف زده و پشت صحنه سکانس قتل او را نیز در این قسمت شاهد خواهیم بود.
وحدید اشتزی فعال اجتماعی و عباس عدبی پژوهشگر اجتماعی و سیاستمدار، مهمانان سیاسی این قسمت از «بوی خون» هستند.
«بوی خون» به کارگردانی وحید سعیدی و نویسندگی احمد رنجبر با هدف بررسی پرونده های سیاسی – اجتماعی که در سیرال «آقازاده» به آن‌ها پرداخته شده، ساخته می شود. این مستند که تهیه کنندگی آن را سید امیر موسوی نیا بر عهده دارد هر یک شنبه در سامانه فیلموو و نماوا منتشر می شود.

با معرفی البرز کروهه

فیلمبرداری «لاک پشت و حلزون» آغاز شد



فیلمبرداری فیلم سینمایی «لاک‌پشت و حلزون» به کارگردانی رضا حسامی با حضور البرز کروهه بازیگر کودک این فیلم آغاز شد.

البرز کروهه به‌عنوان بازیگر کودک و شخصیت اصلی فیلم سینمایی «لاک‌پشت و حلزون»، فیلمبرداری این فیلم به کارگردانی رضا حسامی و تهیه‌کنندگی مشترک شهرام گیل‌آبادی و هوشنگ نوراللهی در اساس فیلمنامه‌ای از محسن رضایی آغاز شد.

پیش از این علی مصفا، لیلی زارع، سام نوری و مهران نائل به عنوان بازیگران اصلی این پروژه معرفی شده بودند.

پانتاا مهدی‌نیا، محمد نریمان، حمید خردمندی، زهره حجازی و علی رستگاری دیگر بازیگران فیلم سینمایی «لاک‌پشت و حلزون» هستند.
پیشی از عوامل این فیلم نیز عبارتند از: مشاور کارگردان: محمد رضا اصلائی، مدیر فیلمبرداری: امین جعفری، مدیر صداپردازی: رشید دانشمند، طراح صحنه: پرام اسکندری، طراح لباس: لیلی تاج دینی، طراح گریم: لیلی سانی، سرپرست گروه کارگردانی و برنامه‌ریز: فواد چارمده و دستیار اول کارگردان: مجید عبدی، منشی صحنه: آنتیا فیروزبخت، مدیر تولید: جواد راهزانی، مجری طرح: حسین بشنگرد و علی مرادنه، سرمایه‌گذاران: گروه سینمایی آیپک و مریم طالبی، عکاس: علی بیات، مشاور رسانه‌ای: مریم قربانی‌نیا.
در خلاصه داستان «لاک‌پشت و حلزون» آمده است: پدram ده ساله با مادرش افسانه زندگی می کند و مشکلات زیادی با او دارد. افسانه قصد ازواج دارد ولی با مخالفت پدram روبه‌روست و دلیل مشکلات پدram را همین مسئله می‌داند. پدram با جوان عجیب و غریبی آشنا می‌شود و یک رابطه دوستی پنهانی بین آنها شکل می‌گیرد…

روزنامه فرهنگی، هنری، ورزشی، اجتماعی کشور صاحب امتیاز و مدیرمسول:
غلامحسین شعبانی
نشانی: میدان انقلاب – خیابان جمازاده‌شمالی
پلاک ۲۶ واحد ۵

پست الکترونیکی:
info@emtiazdaily.ir
تلفن: ۶۶۵۹۳۸۰۹
آگهی دولتی: ۶۶۵۱۷۷۶۴ – آگهی شهرستان ها: ۶۶۶۵۰۰۹۹
لیتوگرافی و چاپ: ریخان

WWW.EMTIAZDAILY.IR

جواد بیاد در دایره تکامل از معنویت می گوید

سفير پنج کشور اروپایی در گالری مژده



این هنرمند در خصوص مضمون آثارش گفت:«پروردگار منان ،فرستادگانی را از جانب خود برای ما انسانها، برای رسیدن به تکامل و رشد بشریت مامور فرمود تا اینکه، با وارد شدن در مسلک ناب تجلی ،سعادتمند شویم. خداوند



کارد به استخوان سینما رسید، کاری بکنید

پیدا کرده است. به‌طوری‌که اسمال، کمتر از ۴۰ فیلم سینمایی توانستند مقابل دوربین بروند و این درحالی است که این آمار برای سالیان گذشته، حداقل دو برابر این میزان بوده است.
رکود عمیقی که کرونا به سینما و سینماگران ایرانی وارد کرده است، با کمترین توجهی از سوی دولتمراد همراه بوده و متأسفانه سکوت و سرشار از ناگفته‌های این صنف که در اثر آبروداری و حفظ شأن بدنه سینما استمراریافته، توسط مدیران فرهنگی کشور درک نشده و بیلان کاری این صنف را با تغییر مواجه نساخته است.

توام حمایت‌های دولتی‌ها

درمقابل این آبروداری سینماگران و صورت‌هایی که بر اثر تکرار سیلی‌های زمانه سرخ نگداشته شده، دولتی‌ها همان قول‌های نیم‌پندی را که در ۶ماهه اول سال داده بودند هم در نیمه دوم ادامه ندادند. در ابتدا میلی به خانه سینما اعطا شد که آن خانه این مبالغ را به‌صورت سلیقه‌ای میان برخی اعضا پخش کرد. در ادامه، یک سید کالا تعریف شد که آن سید هم میان برخی اعضا پخش شد.

یکی از اعضای خانه سینما گفت:«وقتی عیدی ۵۰۰ هزار تومانی خانه سینما به برخی اعضا داده شد و این ناعدالتی برای چندمین سال متوالی ادامه یافت، سروصداها و اعتراض‌ها کار را به‌جایی رساند که مدیران خانه را مجبور کرد تا با طراحی سیستمی، به شناخت اعضای نیازمند پرداخته تا لااقل سید کالای خود را به شکل منصفانه‌تری تقسیم کنند. در آن سامانه، همه حدوداً ۴۰ سوالی که مطرح شد، اطلاعات بسیاری از متقاضی گرفته شد اما در آخر باز هم سید کالا به من و بسیاری از دوستانم که واجد اصلی این سیدها بودیم، تعلق نگرفت. حالا سوال من از مدیران خانه سینما این است که وقتی من با زن خانهدار و یک فرزند محصل، در شرایطی که مستاجر هستم و کار ثابت یا متفرقه هم ندارم و بیمه نامن این‌جماعتی مرا هم خردوشان پرداخت می‌کنند و از دیگر امکانات نظیر ائومبیل شخصی هم بهره‌مند نیستم، مشمول این عیدی و سید کالا نشده‌ام، آیا باید بپذیریم که آن چند هزارنفری که توانست‌اند عیدی و سیدکالا بگیرند، وضعیت‌شان از من بدتر است؟»

این قبیل اعتراض‌ها، باز هم مانند سالیان گذشته از سوی وزارت ارشاد، سازمان سینمایی و البته خانه سینما بی‌پاسخ گذاشته شد و طبیعتاً در ادامه نیز تکرار خواهد شد.

در ادامه وزارت ارشاد که از حمایت اهالی هنر موفق بیرون نیامد، توپ را به زمین سازماندارها انداخت و اعلام کرد که در ازای هر برده، ۱۰ میلیون تومان پرا دم خواهد کرد که سینمادارها می‌توانند با ارائه مدارکی، این وام‌ها را دریافت کرده و چندماه بعد با سود به آنها بازگرداند؛ شوخی بزرگ که از همان ایلتا از سوی سینماگران با استقبال روبه‌رو نشد و دستمایه شوخی گریه‌آور آنها قرار گرفت. قطعاً بهترین کاری که وزارت ارشاد برای سینمادارها انجام داد، این بود که بدهی آنها به دفاتر پخش را در قالب وامی آماده و تقدیم کرد. البته این تمام هنرنمایی وزارت ارشاد در این مدت نبود و این نهاد مبلغ یک‌میلیون و ۵۰۰ هزار تومان به‌تمامی اعضای صندوق اعتباری هنر پرداخت کرد و البته کسی که با رزنتی‌هایی، اعضای این صندوق را در زمره دریافت وام و تسهیلات سینمایی تومانی ایام کرونا و کمک‌هزینه ماهیانه ۱۰۰۰ هزار تومانی قرار داد.

این تمام کمک‌ها و تلاش‌هایی بود که وزارت ارشاد و شاخه‌های آن برای حمایت از سینمادارها و اهالی سینما انجام داد؛ کمک‌هایی که نه‌تنها گره‌ای از مشکلات اعضای نه‌چندان زیاد این صنف‌های نکرد، بلکه آنان را به این باور بلغ رساند که حتی به‌اندازه کارگران فصلی تحت‌حمایت هیچ‌نهادی قرار ندارند و در شرایط فرنج، این خود هستند که باید روی پایشان بایستند. در تمام این ۱۰ ماه، به استثنای جشنواره جهانی فجر تمام جشنواره‌های اصلی و فرعی در زمان میهنشوی خود برگزار شدند و متأسفانه این اسرار که از سوی وزارت ارشاد و سازمان سینمایی در برگزاری این جشنواره‌ها دیده شد، درمورد حمایت از اهالی سینما دیده نشد. جالب آنکه تعداد مخاطبان بسیاری از این جشنواره‌ها به‌اندازه‌ای پایین بود که تصویر با آماری از آنها ارائه نشد. تا جایی که برخی رسانه‌ها از لایو یکی از برنامه‌های سینماشعبه‌ها تا تنها سه نفر و لایو هنری و تجربه با حضور میهمان خارجی که تنها ۱۴ مخاطب داشت، دریغ‌نازی کردند! آن هم در شرایطی که برای برگزاری چنین رخدادهای آنلاینی، تبلیغات بسیاری شده بود.

درمقابل، بسیاری از اعضای بدنه سینما از کوچک‌ترین تا رده‌بالترین مدیر وزارت ارشاد و سازمان سینمایی تقاضا کردند تا هزینه این جشنواره‌ها به‌شکل عادلانه‌ای میان آنها تقسیم شود!اما این درخواست چندین‌باره، با کوچک‌ترین واکنشی از سوی این مدیران مواجه نشد. تنها تابش، مدوجه چاره‌راهی بود که در پاسخ به این اظهارات پاسخ داد که بودجه جشنواره‌ها از محل برگزاری خودشان تامین می‌شود و اگر قرار باشد جشنواره‌ای برگزار نشود، اصلاً بودجه‌اش در کار نخواهد بود تا بخواهند آن را میان اعضای سینما تقسیم کنند.

کارد خیلی وقت است از استخوان‌مان هم گذشته!

علی سرتیپی، تهیه‌کننده، پخش‌کننده و سینمادار ضمن انتقاد از تعطیلی ادامедار سینماها گفت:«این دوستان فقط به‌ما می‌گویند تعطیل کنید و بعد دیگر جنبه‌های آن هیچ‌کاری ندارد. دیگر نمی‌دانند که همین یک جمله آنها که می‌گویند «تعطیل کنید» معنی‌اش آن است که من باید حتی درصورت تعطیلی، حقوق پرسنل، بیمه آنها، شازم سنگین و دیگر هزینه‌های جاری پردیسی مانند کورش را متقبل شوم و این یعنی این هزینه‌ها را که ماهانه ۶۰۰ میلیون تومان می‌شود باید از جیب بربرازیم و این برای ماه‌ها دم است که دارم این‌چنین خرج می‌کنم. من توانستم‌ام با فعالیت پردیس کورش در سال‌های قبل، پرسنل خودم را حفظ کنم اما سینماها و پردیس‌های دیگر چگونه باید

اولیه، همان مصداق روند تکامل برای مخاطب است.»او گفت:«سوزه‌ها در آثار من اکثراً مفهوم همان تکامل هستند که برای رسیدن به تکامل حقیقی باید از حداقل‌ها فاصله گرفت و به حداکثرها رسید، برای این رسیدن باید پرواز کرد، و پروازی برای خروج، خروج از تجملات، خروج از دنیا‌گرایی و… پرواز نماد یک حرکت هست، حرکتی سبک و آرامش بخش برای درک مهربانی پروردگار.»او در خصوص تاکیدش بر معنویت در آثارش گفت: « از دیرباز تا امروز شادی و غم، ظلم و مهربانی بوده و انسان بدون دین از مدار مراقبت حاکم بر نفس و تفکر سالم خارج می‌شود، انسان بدون دین در رنج هست و انسان با دریافت دین حقیقی در آسایش درونی کامل تر می‌شود.»مجموعه دایره تکامل تا ۲۶ دی ماه در گالری مژده دایر است و علاقمندان می‌توانند با هماهنگی قبلی را رعایت تمامی قوانین بهداشتی از ساعت ۱۵ تا ۱۹ از این آثار در گالری مژده به نشانی سعادت آباد، علامه شمالی، هجدهم شرقی، پلاک ۲۷ دیدن کنند.



مظهر تفاهم است و این ما بودیم که سوءتفاهم را بوجود آوردیم.»او هم خاطر نشان کرد:« آثار من در بُعد معناگرا و بر پایه معنویت هستند، و این ظرافت در قسمت سوزه و ترسیم پس زمینه و حواشی اثر با خطوط نامنظم و خطوط دیدن کنید.»

مظهر تفاهم است و این ما بودیم که سوءتفاهم را بوجود آوردیم.»او هم خاطر نشان کرد:« آثار من در بُعد معناگرا و بر پایه معنویت هستند، و این ظرافت در قسمت سوزه و ترسیم پس زمینه و حواشی اثر با خطوط نامنظم و خطوط دیدن کنید.»

این صحبت‌های سرتیپی در شرایطی به زبان آورده شده که پردیس کورش سال‌گذشته در چنین روزهایی، بین ۲۰۰ تا ۳۰۰میلیون تومان درآمد روزانه داشت و به‌عنوان پر فروش‌ترین و پر مخاطب‌ترین پردیس سینمایی کشور شناخته می‌شد. البته که در همین چندماه، بسیاری از پردیس‌ها از پیشانی زل‌آم، چندین پرسنل خود را به‌ناچار از دست داد و متأسفانه تعداد پرسنل سینما، عوامل تولید و حتی هنروران و دیگر صنوف سینمایی که بیکار شده‌اند، به‌شکلی تصاعدی، ماه به ماه بیشتر شده و هم‌اکنون اصلاً عدد و رقمی از تعداد بیکاران این صنف وجود ندارد.

از آنجا که هیچ بیکاری تا امروز شامل اهالی هنر نمی‌شود، بیکاری این قشر نه‌چندان زیاد، مصادف است با خانه‌نشینی و صفر شدن میزان درآمد ماهیانه آنها. تازه در چنین شرایطی است که قدر بارانه ۴۵ هزار تومانی برای اهالی هنر بیشتر دانسته می‌شود.

اشتباه نسبت، از افکار مستضعف و تحت پوشش بهزیستی یا کمیته امداد صحنیت نمی‌کنیم، داریم از اهالی فرهنگ و هنر یک مملکت سخن می‌گوییم.

یکی از عوامل سینما که سابقه ۱۴ ساله فعالیت در حوزه سینما را دارد و نمی‌خواهد نامش رسانه‌ای شود گفت: «باور کنید انقدر اخبار ناگوار از وضعیت زندگی دوستان، و برخی همکاران می‌شوم که دیگر وضعیت خودم را فراموش می‌کنم، مثلاً همین پیروز ویدئویی از استاد «محمد فیلی» دیدم که طی آن درخواست ملاقات با جناب رئیسی را داشتند، چون گویا با صاحبخانه خود به اختلاف‌هایی خورده بودند و مجبور شدند خانه را خالی و وسایل منزل‌شان را در پارکینگ خانه یکی از دوستان‌شان خالی کنند. همسر و فرزندان ایشان هم در خانه یکی از اقوام‌شان زندگی می‌کنند. شنیدم این چیزها لدم از یاد بردم.

می‌آورد که این همه هنرمند در این سینما فعالیت کردند و الان وزارت ارشاد نباید پاسخ دهد که این روزها دارند چه کار می‌کند؟ وقتی بدنه سینما مستغمل رها شده‌اند، نمی‌توانند حتی یک مرغ بخزند، شما چه برنامه و هدف مهم‌تر و بالرزت‌تر دیگری دارید و اصلاً آن هدف را برای چه کسانی و با چه کسانی می‌خواهید برگزار کنید؟ یعنی آنها نمی‌دانند چندنفر از بچه‌های سینما به مسافر کشنی و اسنپ روی آورده‌اند؟ مگر می‌شود ندادند چه تعداد از اهالی سینما مشغول دستفروشی هستند. دوستانی را می‌شناسم که از شهرستان به تهران آمده و مسافر کشنی می‌کنند و شب راه‌م در ماشین می‌خوانند و ماهی یکی، دو بار به شهرستان می‌روند تا زن و بچه‌شان را ببینند. اجازه‌خانه و عقب افتادن اقساط وام و ندانن حق بیمه و باطل شدن آن که دیگر جزء مشکلاتی بود که در ماه‌های اول وقوع کرونا اتفاق افتاد.

یکی از تهیه‌کنندگان سرشناس سینمای ایران این‌طی گفت: «من چندین‌بار نشست‌هایی را با مدیران سینمایی برگزار کردم. قصد داشتم در همان ماه‌های اول، گله و شکایت‌های خود را مانند بسیاری از همکارانم رسانه‌ای کنم که گفتی شاید درست نباشد و باید به نهادهای دولتی فرصت داد تا هم می‌تواند به مردم باره‌ای که روی خودش آنها سنگینی می‌کند، خلاصی بیابد و سرفرصت به سینما بپردازد. اما امروز می‌بینیم که بعد از گذشت ۱۰ ماه، هیچ‌اتفاق‌ی برای سینما و اهالی آن نیفتاده. باور کنید روزی نیست که از من تقاضای پول دستی نکنند. صحبت این است که ما درجعه مدیران، برنامه‌های خود برای بروزرفت از این وضعیت را اعلام کرده‌ایم و در ظاهر هم با استقبال مثبت مواجه شده‌ایم اما هفته‌ها بعد ماها از این برنامه‌اند‌ها گذشته و متأسفانه هیچ‌اتفاق‌ی برای سینمادار و سینماگر نیفتاده است.»

من حتی با وجود اعلام قبلی مسئولان در واکنسیناسیون ملی مردم در بهار یا ابتدای تابستان، باز هم از ۶م معضل ۱۰ ماه نخست سال آینده را نیز تحت‌الشعاع خود قرار داد و باید فکر کنیم که وضعیت سینماها به‌همین منوال باقی خواهد ماند یعنی تا ۹ ماه دیگر، بنابراین باید تا شرایط بدتر از این نشده و مشکلات دیگری روی این مشکلات کنونی نیفتاده، فکری به‌حال سینما کرد و آن را از این متحلاب بیرون کشید.»

یعنی طی سال جاری که تمام کشور با کرونا دست‌وپنجه نرم کرده، وزارت ارشاد درگیر چه فعالیت مهم‌تری بوده که نه به معیشت اعضای نه‌چندان زیاد خود پرداخته و نه حمایت جمعی از مکان‌های تحت اداره خود انجام داده است؟ آیا می‌توان در چنین شرایطی، نظم در برگزاری جشنواره‌های متعدد را نشانهای خوب و درستی از تعهد و حسن‌نیت این نهاد مهم در رفع امورات اعضا و امکان خود برشمرد؟

یک فنجان چای داغ

«کوچه شب» منتشر شد

به نقل از روابط عمومی موسسه فرهنگی هنری «رادنوادیش»، «کوچه شب» عنوان یکی از تازه ترین آثار موسیقایی در فرآیند تولید و فروش محصولات موسیقی کشورمان است که به آهنگسازی جهانشاه برومند از نوازندگان و آهنگسازان پیشکسوت موسیقی ایرانی منتشر شد.
در این آلبوم که با یادی از برنامه «گلپهای رنگارنگ» رادیو با قابلی متفاوت در دسترس شنوندگان قرار گرفته، مرحوم بیژن ترقی (ترانه سرا)، زنده یاد ادیب برومند (غزل آواز و اشعار متن)، جهانشاه برومند (آووتور و آهنگ ها)، حسین خواجه امیری و علیرضا فریدون پور (خوانندگان)، بابک شهرکی – بهنام خداحرمی (تنظیم‌ها)، ژاله صادقیان – جهانشاه برومند (گویندگان)، پیام سوری (تدوین نهایی)، بریدا صدر نوری (ناشر)، ناصر ایزدی (مدیر موسیقی)، مریم فراهانی (مدیر اجرایی)، پرام عرب (مدیر طراحی)، مهزبان کریمی (مشاور هنری ناشر) گروه اجرایی را تشکیل می دهند.

«ای نام تو (حمد) – قطعه ای (ارام عوم) –دشتی» با شعر ادیب برومند، گویندگی جهانشاه برومند- ژاله صادقیان و تنظیم بهنام خداحرمی، «گفتاری از بیژن ترقی و ترانه (کوچه شب) – دشتی» با ترانه بیژن ترقی، خوانندگی علیرضا فریدون پور و تنظیم بهنام خداحرمی، «آواز حسین خواجه امیری (ایرج) – دشتی» با نوازندگی تار شهرام میرجلالی و غزل ادیب برومند، «ترانه (سبوی صبر) – سه گاه و مخالف» با ترانه بیژن ترقی، خوانندگی علیرضا فریدون پور، گویندگی ژاله صادقیان و تنظیم بابک شهرکی، «چهار مضراب سه گاه» با نوازندگی یولیون جهانشاه برومند و تمبک سعید رودباری، «چهار مضراب نوا» با نوازندگی تار فریدون احتشامی، نوازندگی تمبک سعید رودباری و گویندگی ژاله صادقیان، «ترانه (قصه رهنگذر) – نوا» با ترانه بیژن ترقی، خوانندگی علیرضا فریدون پور و تنظیم بابک شهرکی، «آواز علیرضا فریدون پور» با نوازندگی یولیون جهانشاه برومند، غزل ادیب برومند و گویندگی ژاله صادقیان، «ترانه (بشنو) – بیات اصفهان» با ترانه بیژن ترقی، خوانندگی علیرضا فریدون پور و تنظیم بهنام خداحرمی اسامی آثاری هستند که در آلبوم «کوچه شب» گنجانه شده اند.

جهانشاه برومند که طی سالهای گذشته آلبوم‌ها و آثار موسیقایی متعددی را در حوزه موسیقی ایرانی منتشر کرده درباره انگیزه‌ها و مدغذغه‌های خود برای تولید آلبوم «کوچه شب» توضیح داد:
اوایل دهه ۷۰ بود که واسطه آشنایی پدرم ادیب برومند با مرحوم بیژن ترقی توفیق این را پیدا کردم تا آشنایی بیشتری با این شاعر و ترانه سرا پیدا کرده و با او دوستی صمیمانه‌ ای داشته باشم. شرایطی که طی فواصل زمانی مختلف موجب خلق آثار و ملودی‌هایی شد که برام بسیار قابل توجه و ارزشمندند.

وی افزود: آنچه از تجربه این رفاقت و دوستی می‌توانم به آن اشاره داشته‌ باشم دربرگیرنده نتایجی بود که گاهی اوقات موجب می‌شد این شاعر روی آثار موسیقایی من ترانه و شعری بسراید. در برخی از روزها نیز شرایط حسی مان به گونه ای می‌شد که من برای اشعار و ترانه‌های او موسیقی می‌ساختم. روزهایی که سرشار موسیقی و شعر بود و تا سالها نیز این پیوند موسیقایی با ادبیات ادامه پیدا کرد.
اتفاق همین شرایط بود که برام پنهان ای شد تا از برآیند و آنچه از این هم نشینی‌ها حاصل می‌شد، بتوانم در قالب یک مجموعه موسیقایی اثری را تولید و در صورت امکان آن را در دسترس مخاطبان قرار دهم.

این آهنگساز و نوازنده ویولن بیان کرد: آنچه برام در این چارچوب بسیار حائز اهمیت بود، خلق فضایی متفاوت تر از دیگر آثارم برای مخاطبان شنوندگان موسیقی ایرانی بود. فضایی کمتر تجربه شده که می‌توانست یادآوری از آنچه در فضای موسیقی برنامه «گلپ‌ها» اجرا می‌شود، در معرض گوش شنیداری مخاطب قرار گیرد.
اینکه آلبوم به شکلی تولید نشده باشد که مطابق معمول چند ملودی بی کلام یا با کلام اجرا شده و پیش روی شنوندگان ارائه شود. به همین منظور این بار رضا را در قالبی طراحی و ایده پردازی کردیم که شنونده در پرسش و پاسخ با آلبوم، هم کلامی هم تصنیف و آواز را با یک چارچوب بشنود. شرایطی که این بار با اضافه کردن صدای مرحوم بیژن ترقی در کنار خودش دیگر هنرمندان این عرصه، آواز جناب حسین خواجه امیری (ایرج) و خوانندگی علیرضا فریدون پور می‌تواند تجربه متفاوتی برای شنوندگان این نوع آثار باشد.

برومند گفت: طبیعتاً طی سال‌های اخیر تولید و انتشار آلبوم به صورت مجموعه‌های فیزیکی بنا به دلایل مختلف انجنان که باید مورد توجه شنوندگان و علاقه مندان موسیقی نیست بنابراین ایجاد یک مفاهمه مشترک میان آهنگسازان و نوازندگان چون بنده با تهیه‌کنندگان و ناشران حوزه موسیقی کار بسیار سختی است. به هر حال با توجه به شرایط اقتصادی این سال‌ها تولید و نشر آلبوم‌ها برای تهیه کنندگان و حتی خود هنرمندان مگر در موارد بسیار خاصی و اندک شمار صرفه اقتصادی چندینی ندارد. از این رو برای همکاری با ناشران دشوار خواهد بود. اما خوشبختانه با همکاری دوستانه جناب بردیا صدرنوری مدیر موسسه فرهنگی هنری «راد نو اندیش» و دوست هنرمند ناصر ایزدی شرایط به گونه ای رقم خورد که آلبوم «کوچه شب» هم در قالب نسخه فیزیکی و هم قالب الکترونیکی در دسترس مخاطبان قرار گیرد.

آلبوم موسیقی «کوچه شب» توسط موسسه فرهنگی هنری «رادنوادیش» به مدیریت بردیا صدرنوری و پخش «نشر و پخش جوان» با مجوز شماره ۲۱۲۱-۱۳۹۷ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و شماره واسپاری ۳۳۳۱۶ تکاپخانه ملی ایران منتشر شده است. ضمن اینکه علاقه مندان برای تهیه نسخه فیزیکی آلبوم می‌توانند با مراجعه فروشگاه‌های عرضه محصولات فرهنگی هنری، شهر کتاب‌ها و سامانه‌های فروش آنلاین نسبت به خرید اثر اقدام کنند.

شانس کدام فیلم‌های خارجی در جوایز گلدن گلوب ۲۰۲۱ بیشتر است؟

به نقل از ورایتی، انجمن مطبوعات خارجی هالیوود مانند اسکار عمل نمی‌کند که از کشورها بخواهد نمایندگان خود را برای حضور در بخش بهترین فیلم خارجی زبان معرفی کنند. به همین دلیل «زندگی پلش رو» می‌تواند هنوز به عنوان بخت دریافت جایزه بهترین فیلم خارجی کلدن گلوب مطرح باشد. سوفیا لورن نیز می‌تواند در بخش بهترین بازیگر زن سال نشان نامزد شدن را داشته باشد. در حالی که ایتالیا فیلم «شب» را برای اسکار معرفی کرده اما این فیلم در گلدن گلوب شانسی ندارد زیرا یک مستند بلند است و جایلی در جوایز گلدن گلوب ندارد. در عین حال مناقشه زیادی درباره فیلم «میناری» وجود دارد که باید در بخش بهترین فیلم نامزد شود. این فیلم هنوز در بخش بهترین ورایتی نامزدهای احتمالی گلدن گلوب در بخش بهترین فیلم خارجی زبان را چنین معرفی کرده است:

- «میناری» از آمریکا ساخته لی آیزاک چانگ؛ فیلمی درباره یک خانواده کره‌ای که به آرکانزاس نقل مکان می‌کنند تا در دهه ۱۹۸۰ زندگی جدیدی بیاورند و چون یک مزرعه شروع کنند. بازیگران: استیون یئون، بری هان، الن اس کین، یو جیونگ، یونگی و پیل پتون.
- «زندگی پلش رو» از ایتالیا ساخته اودارو پونتی؛ رابطه بین زن سالخورده‌ای که بازمانده جنگ جهانی است با یک پسر بچه ۱۲ ساله خیابانی در مرکز توجه این فیلم است. بازیگران: سوفیا لورن و ابراهیم گوپی
- «دور دیگری» از دانمارک ساخته توماس وینتربرگ؛ درباره چهار دوست که همه آموزگار دبیرستان هستند و می‌خواهند سطح زندگی‌شان را با ایده‌های عجیب بالا ببرند. بازیگران: مدس میکلسن، توماس بو لارسن و مانکوس میلانگ.
- «تورا با خود حمل می‌کنم» از مکزیک به کارگردانی مایلدی اونینگ؛ درباره جالبه‌هایی و فشار اجتماعی بر یک آشیز مشتاق که وی را وارد می‌کند خانه خود در مکزیک را ترک کند و به نیویورک برود و ببیند زندگی آنها هرگز مثل گذشته نخواهد بود. بازیگران: آرماندو اسپیتیا، کریستین اسکرز و میشل رودریگز.
- «لا لورونا» از گواتمالا ساخته جایرو بوسنامته؛ درباره ژنرالی که نظارت بر نسل کشی مایاها را برعهده داشت و با روح آنها روبه‌رو می‌شود. بازیگران: ماریا مرسدس کوردا، سابرینا دل‌اوز، مارگاریتا کینفیک.
- «شب پادشاهان» از ساحل عاج ساخته فیلیپ لاکوت؛ درباره مردی جوان که به زندانی در ساحل عاج فرستاده می‌شود و باید برای دیگر زندانیان قوه بگیرد. بازیگران: مونه باکاری، استیو تیموکو و رازمانی اوداگرو.
- «خواهر کوچک من» از سوئیس ساخته استفانی شوات و رورنیک ریمونه؛ درباره نمایشنامه‌نویسی که سعی دارد تا خواهر دوقلویش را به صحنه نمایش برگرداند. بازیگران نینا هلس و لاراس آیدینگر.
- «شالازاران» از جمهوری کینیا، «سنگری بی‌پایان» از اسپانیا، «پدر» از بلغارستان، «امید» از نوزو، «جاکپوت» از هند، «پرش» از چین، «مارتین ادن» از ایتالیا، «کچا بودی اییدا» از بوسنی و هرزگوین، «بچه‌های خورشید» از ایران، «و فردا همه جهان» از آلمان، «تاو» از فنلاند، «دف نوفر» از فرانسه، «هادران واقعی» از ژاپن و «فصل خیس» از سنگاپور نیز دیگر فیلم‌هایی هستند که در رده‌های بعدی می‌توانند از این شانس برخوردار باشند.